



شهرهای اسلامی ایرانی و عناصر هویت بخش آن

جواد بابایی، معصومه لطفی، رویا منظم وطن دوست*

۱- دانشجوی دکتری جغرافیای شهری دانشگاه فردوسی مشهد

۲- دانشجوی کارشناسی مهندسی شهرسازی دانشگاه خاوران مشهد

۳- دانشجوی کارشناسی مهندسی شهرسازی دانشگاه خاوران مشهد

Javad.babaei۴۷@gmail.com

چکیده

شهرها به عنوان فضایی که تجلی واقعی شیوه زندگی و بینش ساکنان آن می باشد، در بردارنده عوامل گوناگون کارکردی و کالبدی هستند که در بیان تفکرات و عقاید ساکنان و سازندگان آن دخیل می باشند. شهر اسلامی یکی از مظاهر تمدن اسلامی است که ساختار و استخوان بندی آن به شیوه های مختلف از فضای اندیشه ای حاکم بر آن متأثر بوده است که شهر ایرانی - اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نیست، از شهر ایرانی - اسلامی، تعاریف و تفاسیر کمی و کیفی متعددی وجود دارد که کالبد ساختاری آن را تبیین می نماید در این مقاله تلاش می شود که ویژگی های شهرهای اسلامی ایرانی، ابعاد آن، عناصر هویت بخش به این گونه شهرها و به صورت مختصر یکی از این عوامل - محله - بررسی شوند. پژوهش حاضر که حاصل مطالعات کتابخانه ای و اسنادی می باشد با رویکردی توصیفی - تحلیلی به تشریح موضوع پرداخته تا بتواند الگویی کلی از شهر ایرانی اسلامی ارائه دهد.

واژگان کلیدی: شهر، شهر اسلامی، شهر اسلامی - ایرانی، هویت

۱. مقدمه

شهر اسلامی عبارت است از نمایش فضایی ساختمان اجتماعی، که براساس ایده آلهای اسلامی، فرمهای ارتباطی، عناصر تزئینی خود را در آن وارد کرده است، اصل دیگری بر جامعه مسلمانان حاکم است و آن محدود نبودن به زمان و نداشتن جغرافیایی خاص است که مفهوم اسلامی آن را تعریف می کند (بمات، ۱۳۶۹). شهر در الگوی مبانی دینی اسلام از قوانین مدون شریعت اسلام اخذ شده و هیچ ملاک کمی در آن لحاظ نشده است، بلکه از نظر مبانی دینی هر جایی که تعدادی از انسان ها (کم یا زیاد) بر اساس عدالت دینی زندگی کنند و منافع همه جانبه مردم در نظر گرفته شود، شهر نامیده می شود. تا آن جا که در حافظه تاریخ به یاد مانده است هیچ گاه انسان از اندیشه و رویای بهتر زیستن فارغ نبوده و همیشه، نگاه او برای یافتن آینده ای بهتر و سامان یافته تر، دور دست ها را هدف قرار داده است، رویای مزبور، در زندگی انسان، به گونه ای مختلف تبلور یافته و بارزترین نمونه آن را در اندیشه مدینه فاضله می یابیم، آرمان شهر زمینی که در آن از نابسامانی و دغدغه های جوامع موجود اثر و نشانی نباشد (صارمی، ۱۳۸۷).

۲. مفاهیم و مبانی نظری

۱.۲- شهر

"مامفورد" شهر را مجموعه‌ای متشکل از گروه‌های نخستین و اتحادهای هدفمند جمعی می‌داند: مورد اول را در اشکالی چون خانواده و محله که در تمام جماعت‌ها دیده می‌شود قرار داده و مورد دوم را ویژه و خاص شهر معرفی می‌کند و برای شهر دو وجه متمایز قائل می‌شود:

- ابزار اساسی فیزیکی برای وجود شهر عبارت است از کالبد ثابت، مسکن پایدار، تاسیساتی دائم برای گرد آوردن و تبادل.
- ابزار اساسی غیر فیزیکی عبارت است از تقسیم اجتماعی کار که نه فقط زندگی اقتصادی بلکه فرآیندهای فرهنگی را تضمین می‌کند (فکوهی به نقل از مامفورد، ۱۳۸۶)

شهر چیزی بیش از مجموعه افراد و تسهیلات اجتماعی است. شهر بیشتر حالتی از اندیشه است، انسجامی از عادات و سنن و طرز فکرهای سازمان یافته که ذات لاینفک این عادت گردیده، به عبارت دیگر، شهر صرفاً یک مکانیزم کالبدی و یک بنای مصنوع نمی‌باشد. شهر درگیر روند اجتماعی مردمی است که آن را تشکیل می‌دهند، شهر محصول طبیعت و به خصوص طبیعت بشر است. با در نظر گرفتن اینکه، حضور انسان واقعیتی به نام شهر را پدید می‌آورد و انسان جامعه را شکل می‌دهد، شهر نیز در ارتباط تنگاتنگ با جامعه است، جامعه مدنی که از حضور انسان متأثر است. شهر، حاصل مجموعه روابط میان بازیگران اجتماعی است که شکل آن از چگونگی روابط تبعیت می‌کند.

لذا شهر به عنوان یک واقعیت اثرگذار و غیر قابل انکار به شیوه جدی تری در قیاس با گذشته، خود را در قالب حوزه‌های مطالعاتی که به بررسی موضوعات انسانی می‌پردازد تحمیل کرده است (لنگ، ۱۳۸۱).

۲.۲- شهر اسلامی

شهر اسلامی را می‌توان شهری دانست که در آن مظاهر تمدن اسلامی نمود داشته و هر یک از اجزای چنین شهری، یادآور حضور خداوند است (باقری، ۱۳۸۶). شهر اسلامی مبلغ و تجلیگاه توحید، تذکر جامعه به عبودیت آنان در برابر خالق یکتا، شهری با وحدت جامعه و نه تفرق مردم است (تقی زاده، ۱۳۷۸).

شهر اسلامی به شهری اطلاق می‌شود که در سرزمین‌های دارای فرهنگ و اعتقادات نشأت گرفته از دین اسلام ایجاد شده یا رشد یافته‌اند. شهرنشینی و شهرهای اسلامی، دوره‌ای مشخص و محدود (چهارده قرن پیش تا کنون) را در برمی‌گیرد و با کمال شگفتی بر پهنه‌ای بسیار وسیع در سه گوشه جهان کم و بیش مهم و باستانی گسترش یافته است. این پهنه از اقیانوس اطلس تا دریای چین از خلیج گینه تا آسیای مرکزی از بالکان تا اندونزی و از شاخ آفریقا تا خلیج بنگال گسترش یافته است (کوئو، ۱۳۸۴) این شهرها در ویژگی‌های کالبدی و اجتماعی متأثر از حاکمیت فرهنگ اسلامی یا حکومت اسلامی بوده و در ساختار کالبدی آنها می‌توان این مهم را کامل بصورت مشهود و ملموس مشاهده نمود، وجود حرائم مختلف و متنوع که سازگار با کلیه اصول و مقاصد دین مبین اسلام بوده، در نظر گرفتن شان همه ساکنین شهر در شکل‌گیری ساختار، توجه به جای‌گیری بناهای عام

المنفعه مانند حمام، کاروانسراها و بازارها، در نظر گرفتن جایگاه مکانی مساجد محلی و جامع و ... که همگی بخشی از هویت و ساختار شهر اسلامی هستند، نمودی از تاثیر فرهنگ و حکومت اسلامی بر شکل گیری ساختار این شهرها می باشد.

از جمله عناصر اصلی شهر اسلامی مسجد و بازار هستند. «مسجد در شهر مهم ترین بنای عمومی تلقی شده و در تفکرات مربوط به شهرسازی اسلامی موقعیت اساسی داشته است. این مساجد ابتدا در کنار شهرها بنا می شد تا این که در طی زمان قلب شهرها پذیرای آن ها گردید (مشهدی زاده دهقانی، ۱۳۷۳).

بنت در تحقیقی که درباره ایدئولوژی شهرنشینی اسلامی نموده تاکید کرده که اسلام اساساً دین شهری است که ساختار شهرهای فتح شده را دوباره شکل داده با این تاکید که بین محیط صحرائی و بیابانگردی و محیط شهرنشینی از نظر اکولوژیکی مغایرت وجود دارد و ضرورت زندگی در اسلام و انجام واجبات دینی چون نماز و روزه و توجه به انجام و اجرای این فرائض در شهر تجلی می یابد (Hisham, ۲۰۰۳). به طور کلی در ماهیت و قابلیت تمایز شهرهای اسلامی نظریه های گوناگونی مطرح شده است که در یک دسته بندی کلی نظریه به پنج نظریه می توان اشاره کرد:

۱- نظریاتی که شهر در قلمرو فرهنگ اسلامی را تقلیدی از شهرهای قدیمی رومی و یونانی می داند.

۲- نظریاتی که شهر در قلمرو فرهنگ اسلامی را صفت شرقی داده و آن را شهر شرقی می نامد.

۳- نظریاتی که شهر در قلمرو فرهنگ اسلامی را فاقد شرایط و ویژگی های یک شهر می دانند.

۴- نظریاتی که شهر در قلمرو فرهنگ اسلامی را فاقد تداوم و استمرار تاریخی می دانند.

نظریاتی که شهر در قلمرو فرهنگ اسلامی را دارای ساختاری سست و بی قاعده می داند (باقری، ۱۳۸۶).

۳.۲- شهر اسلامی - ایرانی

مطابق با تعریفی علمی، شهر زیستگاهی است انسان ساخت و در زیر یک قدرت سیاسی مشخص، که تمرکز جمعیتی نسبتاً پایداری را در درون خود جای می دهد (آکوچکیان، ۱۳۸۷) بنابراین، عنصر جمعیت انسانی و همچنین شرایط و احوالات این موجودیت زنده و پویا عاملی اصلی در تاثیر گذاری بر روند ساخت و توسعه شهرها محسوب می شود.

۴.۲- شکل گیری و توسعه شهرهای اسلامی

بسیاری از ویژگی های شهرهای اسلامی چون ساخت، بافت و سیمای شهر و ... بازتابی از بینش اسلامی به شمار می آید. مهم ترین تکیه گاه بینش های اسلامی، اعتقاد به اصل توحید و پرستش الله به عنوان خدای یگانه است که بایستی به نحوی روشن و مشخص در شهر اسلامی تجلی یابد. در پرتو بینش اسلامی، روحیه تعاون، تعاضد، انفاق و ایثار، بیشتر در قالب نهاد وقف در چهره شهرهای اسلامی نمودی بارز داشته است.

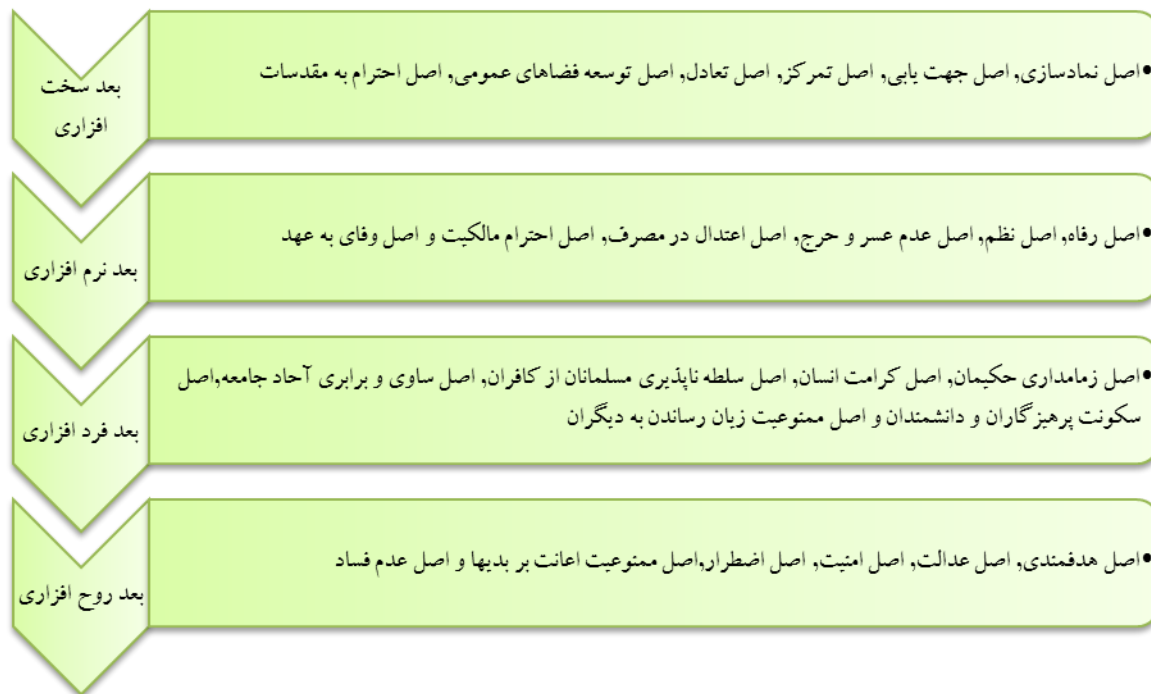
بسیاری از بناها و سازمان‌های خدماتی و فرهنگی شهرها، چون بیمارستان، دارالشفاء، کتابخانه، دارالایتام، دارالمجانین، خانقاه، حسینیه و کوی‌های دانشگاهی برای طلاب و اساتید در شهرهای اسلامی زیر پوشش نهاد وقف تشکیل پیدا کرده است. بدین ترتیب، عناصر مذهبی شهر اسلامی، در برقراری ارتباط با شهر، بسیج کردن و به حرکت در آوردن آنان در راستای اهداف اسلامی، از توان بسیاری برخوردار می‌باشند. شهرها همواره تحت تأثیر نیروها و عوامل گوناگونی شکل گرفته و توسعه می‌یابند.

وقف به منزله یکی از وجوه فقهی، سرچشمه، زمینه ساز و علت وجودی بسیاری از مظاهر جغرافیایی مانند مساجد، تکایا، دانشگاه‌ها، بیمارستان‌ها، رصدخانه‌ها، خانقاه‌ها، زاویه‌ها، رباط‌ها، کاروانسراها، حمام‌ها، آب‌انبارها، قنات‌ها، پل‌ها و سایر مؤسسات خیریه اجتماعی در سراسر کشورهای اسلامی شده است (دانش پژوه و دیگران، ۱۳۴۱). سنت وقف از ارزش‌های جهان بینی دینی و مذهبی است که نقش بسیار مؤثری در شکل‌گیری و توسعه شهرهای دوره اسلامی، به ویژه شهرهای ایران داشته است. «نقش وقف را می‌توان براحتمی در بسیاری از عناصر و اجزای شهری که نقش عمده‌ای در عملکرد و حیات شهری دارند، مشاهده کرد. بسیاری از تأسیسات زیربنایی و روبنایی در مجتمع‌های زیستی بدون هیچ اقدامی از سوی حکام وقت، توسط مردم ساخته می‌شوند.

در عصر صفوی، توجه به امور موقوفات به طور چشمگیری افزایش یافت. در این عصر، بزرگان و شاهان، خود مشوق امور خیریه و وقف بودند و مقدار زیادی از اموال خود را وقف نمودند. به همین دلیل خاندان صفوی، به عنوان پرچمدار وقف، شناخته شده‌اند.

۵.۲- ابعاد و اصول شهرهای اسلامی-ایرانی

گفته می‌شود که شهر را می‌توان متشکل از چهار جزء یا خرده سیستم در نظر گرفت که عبارتند از سیستم‌های محیطی، اندیشه‌ای-ارزشی، فضای-فعالیتی، مدیریت و کنترل شهری (آکوچکیان، ۱۳۸۷). شاید بتوان سیستم محیطی را معادل بعد سخت افزاری شهر در نظر گرفت؛ نظام مدیریت و کنترل شهری را بعد نرم افزاری شهر دانست؛ سامانه فضایی-فعالیتی را معادل بعد فردافزاری شهر خواند و در نهایت، سیستم اندیشه‌ای-ارزشی حاکم بر شهر را تبلوری از بعد چهارم شهر با عنوان روح افزار، تلقی نمود. بدین ترتیب، شهر اسلامی-ایرانی مانند هر شهر دیگر دارای چهار بعد و جنبه اصلی است که عبارتند از: سخت افزار، نرم افزار، فردافزار و روح افزار. بعد نخست از شهر اسلامی-ایرانی به جنبه‌های مشهود و ملموس شهر مربوط می‌شود که در اصطلاح به آنها بعد سخت افزاری اطلاق می‌شود و عناصری چون بناها و ساختمانها، تاسیسات و تجهیزات، گستره و اندازه شهر و را شامل می‌شود. از سوی دیگر، برخی از ویژگیها و عناصر غیرمشهود و ناملموس شهر را که اغلب بر مفهوم مدیریت شهری، متمرکز هستند می‌توان در قالب بعد نرم افزاری شهر، بررسی نمود. همچنین شرایط و خصایص عوامل انسانی فعال در شهر را در قالب بعد سوم با عنوان فردافزار و عوامل فرهنگی-اجتماعی حاکم بر فضای شهر اسلامی-ایرانی را در پوشش بعد چهارم با عنوان روح افزار شهر، می‌توان معرفی نمود. (برقی و تقدیسی، ۱۳۸۷)



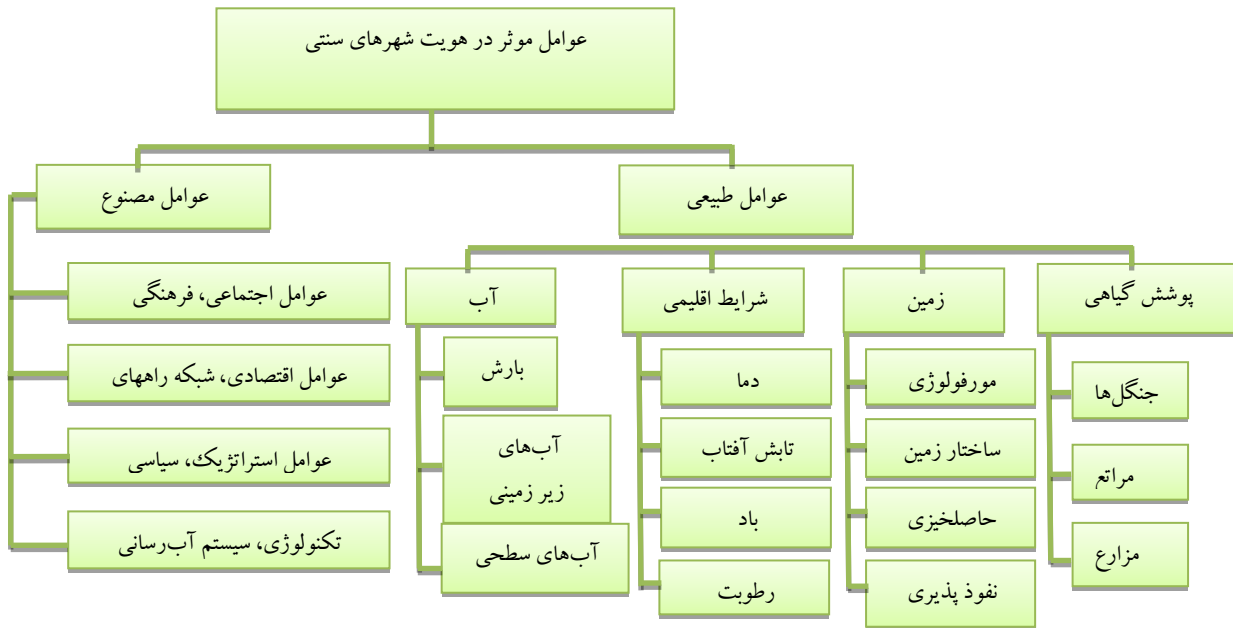
نمودار شماره (۱): مدل جامع ابعاد و اصول شهر اسلامی-ایرانی

۶.۲- عناصر کالبدی هویت ساز در شهرهای ایرانی-اسلامی

آگاهی از بحران های هویتی در شهرها و کلانشهرها، بخصوص بحران هایی که در شهرهای اسلامی به دلیل تقلید محض اندیشه های غربی نا متناسب با فرهنگ اسلامی پدیدار گشته است، موجب رویکرد دوباره به متون اسلامی شده است (ستاری ساریانقلی، ۱۳۹۰). آنچه به هویت معماری و شهرسازی اسلامی ما شکل می دهد متأثر از اسلام به عنوان تمدن است. لذا هویت شهر اسلامی به عنوان مجموعه کاملی از الگوهای غیر مدرن، وراری اختلاف های زمانی و مکانی و فرهنگی قابل شناسایی است (افشار نادری، ۱۳۷۵) و شناخت رهنمو دها و اصول بنیادی اسلامی در شهرسازی اسلامی می تواند راهکاری برای طراحی فضاهای مختلف در شهرسازی امروز می باشد (حکیم، ۱۳۸۱).

معیارها و اصول هویت بخش به شهر ایرانی- اسلامی را می توان در دو مقوله برنامه ریزی شهری و طراحی شهری تقسیم نمود که معیارهای برنامه ریزی شهری شامل عوامل شکل دهنده شهر (اقلیم و معیشت فرهنگ و سنت)، رابطه شهر با طبیعت (انطباق با محیط طبیعی، جهت یابی جغرافیایی شهر، جهت قبله)، حضور عناصر طبیعی (آب، فضای سبز، آب نماها، حوض ها، استخرها، جاری کردن آب ها و جویبارها در مسیر راه ها و معابر، تابش آفتاب و جریان باد در فضای شهری)، شیوه های زندگی در شهر (زندگی فردی و جمعی)، اجزاء و عناصر شهرهای کهن (کهن دژ، شارستان و روض)، فضاهای سبز شهری قدیم و جدید (فضاهای سبز در واحدهای مسکونی، باغ های خصوصی، باغچه ها، فضاهای سبز درون محلات و پیرامون شهر)، شبکه راه های شهر (سلسله مراتب، نقش آنها در ارتباط با عوامل طبیعی مانند تابش آفتاب، جریان باد و توام با همراهی ساختمان ها و نشانه های بارز شهری)، بافت شهر (تبعیت از عوارض زمین، توجه به شرایط اقلیمی، رعایت نظام تقسیم بندی آب) می شود. معیارهای طراحی شهری نیز مواردی مانند، شالوده شهر ایرانی (محله، بازار و بازارچه، آب انبار، گرمابه، مسیرهای آب، فضاهای باز و فضای مربوطه به شبکه راه ها)، فضاهای مسکونی

(وجود جزء به جزء واحدهای خوددیار و همسایگی و زمینه های ارتباط نزدیک تر با مردم با یکدیگر) و فضای اجتماعی محلات شهری قدیم و جدید می شود (رحیمیون، ۱۳۹۰).



نمودار شماره (۲): عوامل مؤثر در سیمای شهر. منبع: (فرجامی، ۱۳۸۳)

۱.۶.۲ - بررسی چند عوامل کالبدی هویت ساز در شهرهای اسلامی ایرانی

✓ مسجد

دولت اسلامی در شهر متولد می یابد و با توجه به اینکه تشکیل این دولت برای اولین بار در مسجد صورت می گیرد، بنابراین وجود مسجد جامع به یکی از مشخصات اصلی شهر دوره اسلامی تبدیل می گردد. مسجد جامع علاوه بر نقش مذهبی خود، نقوش سیاسی و اجتماعی بسیار قوی را نیز داراست. بر خلاف دیگر اماکن مذهبی نظیر کلیساها، در مساجد که حاصل کار معماران آگاه و عارف می باشد، تضاد میان فضای درونی و برونی اماکن از میان رفته است. به عبارت دیگر، میان مسجد و جامعه اسلامی پیوندی پیوسته وجود دارد، چنان که صحن مساجد معمولاً درها و دروازه هایی است که از دو یا سه طرف، ارتباط مردم محلات را با مراکز شهر و بازار تسهیل می نماید (عرفان، ۱۳۸۷).



تصویر شماره ۱: نمایی از مسجد قدیمی ایران

✓ محله

محله‌ها قسمت‌هایی از شهر هستند که میان اندازه یا بزرگی باشند، همچنین باید واجد دو بعد باشند تا ناظر احساس کند وارد آن شده است. اجزای آن به سبب خصوصیات مشترکی که دارند به طور کامل شناختنی هستند و همواره می‌توان سیمای محله‌ها را از درون آن‌ها تشخیص داد و اگر از خارج از آن قابل رویت باشند، در یافتن نقاط مختلف شهر، از خارج نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند. بسیاری از مردم ساختمان شهر را یا به راه و یا به محله‌های آن در ذهن مجسم می‌کنند، بسته به آن که کدام یک موثرتر و بارزتر به دیده آید. البته این امر نیز هم بستگی به افراد و هم بستگی به شهرهای مختلف دارد (لینچ، ۱۳۸۷).

محله از مهمترین عوامل هویت‌ساز شهری به شمار می‌آید که در ایران، به طور ویژه از گذشته تا امروز نقش آفرینی کرده است. کارکرد فیزیکی و اجتماعی محله‌ها و حیاتی که در آنها حاکم است به صورت بالقوه می‌تواند آنها را به محیطی گرم و دوست‌داشتنی تبدیل کند؛ تا جایی که فرد نسبت به آن مکان احساس تعلق خاطر بسیاری پیدا می‌کند (سلطانی و همکاران، ۱۳۹۰). شهرهای ایرانی - اسلامی سده‌های میانی، به بخشهایی تقسیم می‌شد که سکونت همسایگی را در قالب محله شکل می‌داد (Elisseeff, ۱۹۸۰) این شهرها، به دلیل داشتن عناصر جغرافیایی خاصی که آنها را به صورت جوامع همگن و در هم بافته نشان می‌دهد، اهمیت دارند. در این شهرها اندیشه همبستگی، با پیوندهای خانوادگی، ریشه مشترک روستایی، ریشه مشترک قومی، تبعیت‌های مذهبی و پیوندهای یکسان شغلی تقویت شده بود. (Madanipour, ۱۹۹۸) این هویت اجتماعی، در شهرهای اسلامی بسیار قوی بوده است. اتحاد و پیوستگی، به عنوان یکی از اصلی‌ترین ایده‌های اسلامی مؤثر در یکپارچه‌سازی شهرهای سنتی، در شکل‌گیری هویت‌های مستحکم و مشترک تأثیرگذار بوده است (Watt, ۱۹۹۸).



تصویر شماره ۲: نمایی از محله ای قدیمی در ایران

✓ بازار

شهر کامل اسلامی، بازارهای متعددی داشته است که هر یک برای فروش کالایی خاص یا چند کالای تخصصی در کنار هم می‌گرفتند (موریس، ۱۳۸۱: ۴۰). دلیل اهمیت بازار در دوره اسلامی وابسته به افزایش ارتباطات اجتماعی، تبدلات اقتصادی بوده که در قرن چهارم و پنجم هجری و در دوران صفویه بالاخص حکومت شاه عباس از رونق بسیاری برخوردار بوده است (کولیوند، ۱۳۸۱: ۲۸-۲۶). بازار به مثابه ستون فقرات شهرهای ایرانی دانسته می‌شود که نبض حیات اقتصادی، اجتماعی (برگزاری جشن‌های ملی و مذهبی) و فرهنگی شهر را در خود جای داده و دروازه های اصلی شهر را به یکدیگر متصل ساخته است؛ بدین ترتیب که بازارهای اصلی و دائمی در امتداد اصلی ترین محور شهر می‌گرفته و از دروازه شهر آغاز گشته و به مرکز شهر ختم می‌شده است. بنابراین برای بازار علاوه بر کارکرد تجاری و خرید و فروش، فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و خیرخواهانه را نیز در نظر می‌گرفتند.



تصویر شماره ۳: نمایی از سر در ورودی بازار، با پوشش کاشی و مقرنس کاری های زیبا و طاقنماهایی با تزئینات اسلیمی (Hamsharionline.ir)

✓ بافت تاریخی

اهمیت و ضرورت حفظ آثار کهن و بافت‌های تاریخی نه به عنوان پدیده‌های نمادین، بلکه به دلیل شناخت سیر تحول شهرسازی و تاریخ شهرنشینی، حفظ هویت و اصالت شهری و تبیین حیات شهری همواره مورد توجه بوده است (شماعی، پوراحمد، ۱۳۸۹، ۲۵). بافت های قدیمی و تاریخی شهرها میراث ارشمند تاریخی، فرهنگی، کالبدی و ... می باشد که خود بهترین نشانه هویت شهری است و حیات و رشد این بافت ها مانع از بی هویتی و فرسودگی از درون شده و همچنین توسعه بی رویه شهر را کنترل می نماید. الدورسی (۱۹۹۷-۱۹۳۱) معمار ایتالیایی و از پیوان مکتب

خردگرایی، معماری بناهای تاریخی را در برگیرنده خاطرات، افکار و آثار نسل متعدد در گذشته می داند و نقش آن را در خلق هویت اساسی می شمارد. کامیولیت در نظریه دادن روح حیات به بناهای تاریخی معتقد است که بافت های تاریخی باید نقش اساسی در زندگی شهری داشته باشند. کنزو تانکه در نظریه حفظ سنت در پاسخ به نیازهای نو، نظریه بهبود عملکرد با کالبد پویا توسط لودویکو کورانی، نظریه تعمیر و اصلاح وضع موجود بناهای تاریخی از تری فال همگی بر روی حفظ بناهای تاریخی به عنوان هویت شهری تاکید دارند (کلانتری خلیل آباد و پوراحمد، ۱۳۸۳، ۱۰۱).



تصویر شماره ۴: بافت قدیمی در شهرهای ایرانی اسلامی

✓ مدارس

مدرسه مکانی برای آموزش فعالیت اجتماعی است که متناسب با سطح فرهنگ و تمدن هر جامعه شکل می گیرد و نهادها و سازمان های ویژه ای را به وجود می آورد. پیش از اسلام مراکز آموزشی مجاور کاخ ها و مراکز حکومتی یا آتشکده ها و نقاطی دور از مراکز تجاری قرار داشتند. (کیانی، ۱۳۷۹، ۱۱۸). پس از اسلام، آموزش و پرورش از انحصار طبقه ممتاز خارج شد و امکان تحصیل علوم متوسطه و عالی برای عده بیشتری فراهم گردید. به تدریج همراه با گسترش و پیشرفت علوم دینی و طولانی شدن مدت تحصیل و لزوم اسکان طلاب، زمینه پیدایش مدارس علمی فراهم شد. محل این مدارس بیشتر در پیرامون مسجد جامع، بازارها، محله های مسکونی و گاه میدان ها بود (همان، ۹).

نتیجه گیری

امروزه، از جمله نظریات در زمینه شهرسازی، شهرسازی بر اساس مدل شهر دینی و بویژه اسلامی می باشد که با نگاه به اصول اخلاقی و مبانی اعتقادی، پیشنهاد شده است. در این مقاله تلاش شد تا با لحاظ ویژگیهای جامعه ایرانی، مدلی برای طراحی شهرهای اسلامی-ایرانی ارائه شود. شهرهای قدیمی ایران به زیباترین شکل بیانگر هویت کالبدی و بصری برای درک عملکردهای شان بوده اند؛ اما امروزه منظر شهرها و عناصر کالبدی آنها فاقد چنین مشخصه ای هستند. به عبارت دیگر، سیمای بیرونی شهر معاصر انعکاس دهنده اعتقادات و هویت ساکنان آنها نیست. متأسفانه در دهه های اخیر با ورود الگوی های وارداتی شهرسازی و برنامه ریزی شهری، بسیاری از ساختارهای فضایی شهر کهن ایرانی-اسلامی از جمله عناصر کالبدی آن، دچار دگرگونی و تغییرات فراوانی شده اند که به نظر می رسد باعث کم رنگ شدن و گاهی گم شدن هویت ایرانی-اسلامی شده است، از این رو در این راستا بازگشت به اصول متعالی شهرسازی اسلامی ایرانی و توجه به عناصر هویت ساز بویژه عناصر کالبدی می تواند گامی موثر در فرایند ساماندهی فضاهای شهری معاصر باشد.

منابع و مأخذ

- افشار نادری، کامران (۱۳۷۵)، «مشترکات شهرسازی جهان اسلام»، فصلنامه مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری (آبادی) شماره ۲۲.
- باقری، اشرف السادات (۱۳۸۶)، «نظریه هایی درباره شهرهای قلمرو فرهنگ اسلامی»، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- حکیم، بسیم سلیم (۱۳۸۱)، «شهرهای عربی اسلامی: اصول شهرسازی و ساختمانی»، ترجمه ملک احمدی، محمد حسین و اقوامی مقدم، عارف، چاپ اول، تهران: چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- رحیمیون، علی اصغر (۱۳۹۰)، «هویت بخشی به شهر از طریق بهره گیری از عناصر طبیعی، نمونه موردی شهر همدان»، نشریه هویت شهر، سال پنجم، شماره هفتم، صص ۱۰۴-۹۳.
- سلطانی، لیلا، زنگی آبادی، علی و مهین نسترن (۱۳۹۰)، «برنامه ریزی شهری در جهت ارتقای هویت ایرانی-اسلامی زنان با تاکید بر نقش محله های شهری»، فصلنامه شهرهای ایرانی-اسلامی، شماره چهارم، صص ۳۶-۲۹.
- عرفان، محمد هادی (۱۳۸۷)، «معماری مساجد»، فصلنامه فرهنگ یزد، سال اول، شماره ۴ و ۵.
- فرجامی، محمدرضا (۱۳۸۳)، «ابعاد هویت شهری»، جلد اولف مجموعه مقالات همایش مسائل شهرسازی، ساخت کالبدی شهر.
- نقی زاده، محمد (۱۳۷۸) صفات شهر اسلامی در متون اسلامی. نشریه هنرهای زیبا شماره ۵ و ۴ صص ۴۷-۶۱
- ستاری ساربانقلی، حسن (۱۳۹۰)، «اصول مدیریت شهری و شهرسازی رسول اکرم در مدینه النبی»، مجله معرفت، سال بیستم، شماره ۱۷۱، صص ۲۴-۱۱.
- بمات، نجم الدین، (۱۳۶۹)، «شهر اسلامی»، ترجمه محمدحسین حلیمی و منیژه اسلامبولی، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- صارمی، حمیدرضا، (۱۳۸۷)، «ساختار شهر اسلامی»، تهران، انتشارات سازمانشهر دارپهلو دهیارهایکشور.
- فکوهی، ناصر، (۱۳۸۶)، «انسان شناسی شهری»، تهران، نشر نی
- کوثو، پائولو، (۱۳۸۴)، «تاریخ شهرسازی جهان اسلام»، ترجمه سعید تیز قلم زنوزی، تهران، انتشارات وزارت مسکن و شهرسازی - سازمان عمران و بهسازی شهری

لنگ، جان، (۱۳۸۱)، "آفرینش نظریه های معماری"، ترجمه: دکتر علیرضا عینی فر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

نقی زاده، محمد، (۱۳۸۶)، "ادراک زیبایی و هویت شهر در پرتو تفکر اسلامی"، اصفهان، انتشارات سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.

آکوچکیان، احمد (۱۳۸۷) از آرمان شهر فلسفی تا آرمان شهر توسعه ای. مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان شهر اسلامی. صص ۱۱-۴۵
برقی، حمید و تقدیسی، احمد (۱۳۸۷) بررسی چگونگی شکل گیری شهرهای اسلامی و ویژگیهای آن. مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان شهر اسلامی. صص ۱۲۳-۱۳۲

دانش پژوه و ایرج افشار، (۱۳۴۱)، «جامع الخیرات یا وقفنامه سیدرکن الدین یزدی»، تهران.

مشهدی زاده دهقانی، ناصر، (۱۳۷۳)، «تحلیلی از ویژگیهای تاریخی شهر و شهرنشینی در ایران»، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.

لینچ، کوین "سیمای شهر"، ترجمه منوچهر مزینی، انتشارات دانشگاه تهران.

لینچ، کوین "تئوری شکل خوب شهر"، ترجمه سید حسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران.

Elisseeff, Nikita (۱۹۸۰), "*Physical lay-out*" in the *Islamicity*, edited by R.B. Serjeant, United Nations

Educational, Scientific and Cultural Organization, Paris.

Hisham, Mortada (۲۰۰۳). *Traditional Islamic Principles of Built Environment*, New York, Routledge Curzon.

Madanipour, Ali. (۱۹۹۸), *Tehran: The Making of a Metropolis*, John Wiley, Chichester, England.

Watt, W. Montgomery (۱۹۹۸), *Islam and the integration of society*, Rutledge, London.